

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

چگونه پرونده قتل را بایست تشکیل و شروع برسدگی نمود مسئله تعیین هویت مقتول

پرونده قتل را بطرق مختلف میتوان تشکیل و در دستگیری قاتل اقدام نمود اغلب افرادی که مفقود میشوند مراتب بوسیله دوستان و نزدیکان و افراد فامیل و مستخدمین شان بمقامات قضائی یا انتظامی اعلام میشود.

ممکن است اعلام جرم بوسیله افراد خارجی و گاهی اوقات بوسیله قاتل انجام شود ولی این امر بندرت اتفاق میافتد زیرا جد و جهد قاتل پس از انجام جرم فرار از کیفر میباشد ولی در بعضی از موارد قاتل برای آنکه موضوع قتل را به شخص دیگری نسبت دهد پس از انجام جرم حتی قبل از کشف قتل ضمن نامه یا تلفن مراتب را بمقامات انتظامی اعلام میدارد.

اغلب قتل‌هایی که با نقشه قبلی انجام میشود عامل انجام قتل خشم و انتقام و یا حسادت میباشد و روی همین است که هویت قاتلین اغلب کشف و مجازات میشوند. بیشتر قاتلین افراد سالمی نبوده و دارای نقص قوای دماغی میباشند. مانند قتلی که بوسیله الفنس ربرت «Alfonse Robest» تحقق یافت.

نامبرده بامر تجارت مشغول و دارای زن و دو کودک خردسال و تحصیلات مختصری بود ضمناً مردی متکبر و مغرور بنظر میرسید نامه به شعر برای زن خود ارسال زن او که فرد ساده بود اشعار ویرا مورد مسخره قرار داد.

ربرت از این امر عصبانی شده و شروع به میخوارگی نمود عاقبت زن از کثرت میخوارگی شوهر ناراحت و خانه ویرا ترک و فرزندان خود را نیز همراه برد.

شوهر زن را تعقیب و ویرا تهدید و بالاخره روزی بین آنها مشاجره روی داد و منجر به تیر اندازی از طرف زن و زخمی نمودن وی گردید و ربرت بیمار و مدتی در بیمارستان بستری شد.

همینکه بیمارستان را ترک نمود در صدد انتقام ننگینی که منجر به کشتن طفلان وی بود برآمد بدین طریق بچه‌ها به مادر بزرگشان که مادر ربرت باشد سپرده شده بود روزی بمنزل مادر زن رفته و بچه‌ها را برای گردش از وی گرفت نامبرده گان را بالای برجی برده و یکی را پس از دیگری به گودال پائین دیوار که مملو از آب بود پرت و بدینوسیله از زن خود انتقام گرفت پس از انجام عمل خود را به پلیس معرفی و جریان قتل فرزندان خود را با اطلاع رسانید.

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

بدوآ پلیس تصور نمود که در مقابل دیوانه‌ای قرار گرفته ولی همینکه تحقیقات خاتمه یافت معلوم شده نامبرده یکی از جسورترین جانیان میباشد در نتیجه دادگاه ویرا بحبس ابد با اعمال شاقه محکوم ساخت .

در این قبیل جرائم پلیس بایست راجع به شرایطی که جرم ضمن آن تحقق یافته و خصوصیات اخلاقی متهم و حالت روحی او و اخلاق خانوادگی وی تحقیقات لازم بعمل آورد .

ممکن است اعلام جرم بوسیله شاهدی که ناظر انجام جرم بوده انجام گیرد و یا بوسیله نامه که بمقامات پلیس ارسال میگردد تحقق یابد چنانچه پلیس در این قبیل موارد شروع به تحقیق نماید ممکن است منجر به کشف جرمی گردد که از انجام آن بی اطلاع میباشد .

جرائم مذکور اغلب قتل های عمدی است که بوسیله مسموم نمودن افراد انجام و مأمورین اداره آمار و طبیب مربوطه در موقع صدور جواز دفن متوجه نگردیده و جواز دفن صادر و یا بطور اختفاء جنازه دفن میگردد .

بطور کلی تحقیقات بایست دقیقاً انجام گیرد زیرا اغلب منجر به کشف جرم میگردد اعلام جرم های مذکور ممکن است راجع بجرائمی باشد که انجام یافته و یا راجع بجرائمی که در شرف انجام بوده و مقدمات کار از هر حیث فراهم گردیده است .

فعلاً فقط راجع بجرائمی که تحقق یافته بحث مینمائیم ولی جرم های مذکور راجع بخودکشی است که پلیس بایست فوراً وارد مرحله اجرائی گردیده و از مرگ حتمی فردی را نجات دهد .

فرض کنیم مقدمات انجام جرم تحقق یافته و جرم در شرف وقوع است اینجا است که پلیس از لحاظ حفظ اجتماع دارای وظیفه خطیری بوده و فوراً بایست شروع بکار نماید زیرا مختصر مسامحه در کار باعث قتل فردی میگردد ضمناً از لحاظ قضائی پلیس بایست هشیار بوده زیرا هر مقدمه جرمی قابل تعقیب جزائی نبوده و نمیتوان باین عنوان متهم را تحت تعقیب جزائی قرارداد مثلاً :

خانم (R) که قابله و از رفتار شوهر خود مشکوک گردیده بود در صدد قتل شوهر خود برآمد ولی قادر بانجام آن نبود برای این منظور به مردی که از دوستان وی بود تکلیف نمود که در مقابل دریافت یکهزار فرانک شوهر او را بقتل برساند نامبرده قبول نمود .

ناچار بدیگری مراجعه و حاضر شد بوی در مقابل قتل شوهرش سه هزار فرانک بپردازد شخص مذکور قبول نموده و قرار شد در یکی از روزها تصمیم را بموقع اجرا گذارد .

در این وقت یکی از افراد مذکور مراتب را با اطلاع پلیس رسانید بلافاصله پلیس وارد عمل گردید شروع به تحقیقات نمود معلوم شد زن مذکور که ۰۰ سال داشته علاقمند بوده با کشتن شوهر خود آزاد گردیده و با رفیق خود تجدید فراش نماید .

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

شوهر از این جریان اطلاع نداشت و با زن خود بزندگی ادامه میداد با این شرایط پلیس چه باید انجام دهد؟

آیا بایست مراتب را با اطلاع شوهر رسانده و شیرازه زندگی زناشویی آنها را از هم بگسلد .

پس از پازه تفکر پلیس زن را احضار و ویرا وادار نمود که تغییر روش داده و نسبت به شوهر وفادار باشد .

مقدمات مذکور از لحاظ جزائی کافی بر تعقیب متهم نیست و نمیتوان نامبرده را بعنوان شروع جرم تحت تعقیب قرار داد .

موضوع دیگر :

فردی متوجه شد که زنی همه روزه در ترنی که ویرا به حومه شهر میرسد سوار میگردد کم کم بین آندو رابطه ایجاد و زن بمرد تکلیف نمود که بوسیله سم شوهر ویرا مسموم سازد .

از طرفی زن از کرده پشیمان شده پس از ورود بمنزل مراتب را با اطلاع شوهر خود رسانید شوهر منتظر گردید که کار چگونه انجام میگردد از طرفی مردی که باو تکلیف شده بود شوهر زن را مسموم نماید مراتب را با اطلاع پلیس رسانید .

تا اینجا جرمی تحقیق نیافته و اعمال انتسابی برای شروع بجرم کافی نمیشد و پلیس بایست با تدبیر گاه گاهی در این موارد رسیدگی نموده افراد را براه راست هدایت اخلاقی نماید .

گاه گاهی وجود بعضی از قرائن و امارات مأمورین پلیس را به کشف قتل هدایت مینماید . در بعضی از مواقع ضرورت دارد قرائن و امارات مذکور را مورد تعقیب قرار داد مانند آثار خون ، پیدا نمودن لباسهای خونی و یا لباسهایی که جا گذارده شده ، صدای فردی که در حین نزاع استمداد میطلبد ، بوی تعفن و غیره .

آثار و علائم مذکور بی شمار است و نمیتوان در اینجا شرح داد - عین علائم مذکور در کشتن سگ و گربه نیز ممکن است بدست آید .

در هر صورت تحقیقات جنائی را بطرق مختلفه میتوان شروع نمود .

فعلاً از طریق کشف جسد شروع به بحث مینمائیم - جسد نیز بطریق مختلف ممکن است بدست آید .

۱ - جسد ممکن است در منزل زیان دیده از جرم بدست آید - فرض تحقیق جرم این است که شخص مذکور بوسایل ممکنه و یا جبراً با شکستن درب و پنجره وارد خانه شده ویرا به قتل رسانده باشد در اینجا هویت زیان دیده از جرم معلوم و فقط بایست در تعقیب قاتل اقدام نمود .

۲ - جسد در منزلی پیدا میشود که محل اقامت زیان دیده از جرم نیست - ممکن است نامبرده بغتاً وارد منزل مذکور شده و یا در کمین ایستاده و ویرا ربوده و بدانجا

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

برده بقتل رسانیده باشد مانند جنایتی که در یکی از کوچه های پاریس تحقق یافت که متهم فاحشه را ربوده و در یکی از اطاقهای هتل پس از اطفای شهوت ویرا بقتل رسانیده بود - در اینجا پی بردن بهویت از جرم و همچنین محل وقوع قتل از لحاظ تعیین هویت مجرم مورد نظر است.

۳ - ممکن است جسد در محلی پیدا شود که محل سکونت زیان دیده از جرم نبوده و پس از کشتن ویرا به محل مذکور برده باشند در این جا دو مسئله مورد تحقیق قرار میگیرد اول هویت زیان دیده از جرم دوم محل وقوع جرم .

ممکن است جسد را در چمدانی جا داده در اطاتی که اجاره مینمایند بگذارند و یا در محلی که جهت امانت گذاردن اثاثیه میباشد قرار دهند.

۴ - ممکن است جسد در کوی و خیابان و یا در محل های عمومی رهگذری کشف شود در این مورد دو فرض میتوان نمود.

ممکن است ویرا در محل مذکور بقتل رسانیده و یا در محل دیگری کشته و جنازه را در آن محل انداخته باشند.

علت قتل ممکن است متفاوت باشد گاهی منظور دزدیدن اموال و یا گرفتن انتقام میباشد و تحقیقات جنائی است که پلیس را به کشف جرم و دستگیری قاتل هدایت مینماید ذیلا موضوع قتل مادام اورلادی «Orladi» که از ژنو جهت استخلاص شوهر خود که زندانی گردیده بود به پاریس آمده بود بحث مینمائیم پس از ورود به پاریس دوستان شوهر وی او را برای گردش به جنگلهای ونسن «Vincennes» که در حومه پاریس میباشد برده و برای ده هزار فرانک که با خود داشت ویرا خفه نموده و یا موضوع قتل بولدی «Boulday» که جسد را از راه دور به جنگلهای بولی «Bologne» آورده بودند در این قبیل موارد مسائلی که بایست مورد بحث و تحقیق قرار گیرد عبارتند از :

پی بردن بهویت زیان دیده از جرم . محل وقوع جرم و طریقه حمل جسد .
قاعدتاً مجرمین برای محو آثار جرم جسد را بنقطه دور افتاده حمل مینمایند بنا بر این چنانچه محل وقوع جرم بدست آید دستگیری متهمین سهل و آسان میگردد. و این امر نظایر فراوان دارد .

ه - جسد در رودخانه یا دریا یا کانال یا دریاچه پیدا شود - ممکن است جسد دارای آثاری راجع به نحوه تحقق قتل باشد مانند آثار زخم در بدن یا آثار دست در گردن (چنانچه خفه شده باشد) و یا زخمهایی در بدن وی دیده شود که در اثر اسلحه سرد یا گرم ایجاد شده .

ضمناً باید در نظر داشت که آب ممکن است جسد را از محل وقوع جرم دور نموده باشد از طرفی ممکن است مجرمین جسد را دور از محل وقوع جرم در آب بیاندازند . گاهی اوقات جسد را به قطعه سنگ یا قطعه آهن و یا جسم سنگینی بسته و به رودخانه میاندازند .

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

در اینصورت جسد بزودی در روی آب نمایان نخواهد گشت ولی روزی بالاخره در اثر فساد و جمع شدن گازهای داخل شکم جسد سبک گردیده و روی آب نمایان میگردد مجرمینی که راجع باین امر اطلاع ندارند تصور میکنند جسد برای همیشه در زیر آب مانده و اسرار مرگ فاش نخواهد شد.

در هر صورت وزنه هر قدر سنگین باشد جسد روی آب خواهد آمد مگر آنکه وزنه بقدری سنگین باشد که مانع از روی آب آمدن گردد در اینصورت جسد مانند دکل کشتی در ته آب مانده تا آنکه در اثر جریان آب و یا حرکت کشتی و غیره و یا متلاشی شدن از وزنه جدا گردیده روی آب خواهد آمد.

محل بدست آمدن جسد از لحاظ پی بردن به محلی که جنازه را در آب انداخته اند مؤثر بوده زیرا در اثر تحقیقات ممکن است در حوالی گواهی پیدا نمود که ناظر بوده و از اینرو هویت متهم بدست آید.

ممکن است محل مذکور دور از آبادی و شهر بوده و جسد را بوسیله وسایل نقلیه به محل برده باشند از اینرو چنانچه راننده بسته مشکوکی را به محل برده باشد گواهی مؤثر در کشف جرم میباشد.

در این قبیل موارد استعمال بوسیله بخشنامه از رانندگان وسایل نقلیه برای کشف حقیقت ضروری بوده و ممکن است باعث کشف جرم گردد.

۶ - ششمین وسیله برای پی بردن بقتل بیرون آوردن جسد از زیر خاک است جسد را ممکن است قانونی و یا مخفیانه دفن نمود قاتل پس از انجام قتل برای فرار از مجازات درصدد از بین بردن جسد برسیاید و بهترین طریق برای انجام این امر دفن نمودن جسد در خاک میباشد ممکن است قاتل برای شناخته نشدن جسد آنرا متلاشی نموده قسمتی از آنرا در خاک دفن و قسمتی از آنرا در آب اندازد.

در اینصورت بر فرض آنکه دست یا پای جسد کشف گردد بدون اعتراف متهم و بدست آوردن اعضای دیگر بدن وی موضوع قتل روشن نمیگردد.

ممکن است قاتل جسد را سوزانده و یا آنرا در اسید سولفوریک حل نماید در اینصورت محل کار یا کارخانه یا ملک یا خانه متهم را بایست دقیقاً مورد بازرسی قرار داد بویژه آنکه متهم مهندس یا شیمی دان باشد.

در صورت مسموم نمودن ممکن است طیب متوجه نگردیده و جواز دفن صادر نموده باشد بعداً در اثر اعلام جرم دادسرا دستور نبش قبر و تشریح جسد را صادر نماید این امر اغلب در دادسراها اتفاق میافتد و بسیار دیده شده و منتج به نتیجه گردیده ولو آنکه مدتی از تاریخ دفن گذشته باشد.

۷ - ممکن است پس از تحقیقات لازم کلیه قسمت‌های جسد بدست نیاید بلکه قاتل جسد را قطعه قطعه نموده و هر قسمت را در محلی پنهان نموده باشد این موضوع ضمن تحقیقات بسیار دیده شده است.

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

بحث راجع باین مطلب طولانی و در مقالات آینده راجع باینکه چگونه مجرمین جسد را از بین ببرند خواهیم گفت.

پس از آنکه جسد بدست آمد بدواً صرف نظر از اینکه در اولین برخورد نامبرده شناخته نگردد بایست با کمال دقت جسد را مورد آزمایش قرارداد ضمناً بایست بر بدن وی دست نزد.

آنچه بدواً باید مورد نظر قرارداد قسمت خارجی جسد است که شامل وضع جسد در روی زمین و یا محلی بدست آمده. قد او و بطور کلی کلیه خصوصیات ظاهری او از قبیل رنگ مو، نوع لباس، وزن بدن و سن تقریبی وی و غیره را باز پرس یا کار آگاه باید در صورت مجلس تحقیقات درج نماید.

توضیحاتی که در صورت مجلس درج میشود دو قسم است قبل از حرکت دادن جسد و پس از حرکت دادن آن بهترین طریق برای روشن شدن موضوع گرفتن عکس های مختلف از قسمت های مختلف جسد است.

پس از درج مراتب مذکور در صورت مجلس جسد را بایست جهت بررسی و مطالعه به نقطه خلوتی انتقال داد محل مذکور فعلاً اداره طب قانونی است و با طبیب قانونی است که مجدداً ویرا معاینه و علت قتل را کشف نماید.

ضمناً اضافه مینماید اظهار نظر طبیب قانونی بدون انجام عمل تشریح مفید فایده نیست.

زیرا تشریح مکمل تحقیقات ظاهری جسد میباشد. بارها ضمن معاینه جسد علت مرگ معلوم نگردیده ولی با تشریح موضوع کاملاً روشن گردیده است.

چنانچه جسد با لباس باشد لباسهای او را از تن خارج نمود محل زخم را شست تا خونهای اطراف آن زائل گردیده و علت قتل روشن شود.

زیرا بعضی از جراحات وارده کشنده بوده و بعضی از جراحات کشنده نمیشد مثلاً چنانچه قتل در اثر زد و خورد تحقق یافته و زیان دیده از جرم ضربات متعددی دیده باشد بایست تعیین نمود کدام ضربه وارده باعث مرگ گردیده است.

طبیب قانونی باید نوع اسلحه که بوسیله آن قتل انجام شده تعیین نماید. اسلحه بر دو نوع است اسلحه آتشی که شامل تفنگ و طپانچه و هفت تیر میگردد: اسلحه برنده و سوراخ کننده که به اسلحه سرد معروف و شامل چاقو و کارد و سرنیزه میگردد اسلحه «Contondants» کوفتگی آور انواع و اقسام مختلف دارد ممکن است چکش یا پتک آهنی بوده و یا شاخه درخت باشد و بطور کلی اسلحه کوفتگی آور را اینطور میتوان تشریح نمود وسیله ایست که بدون قطع نمودن اعضاء بدن انسان را از پا در میآورد مانند چماق گرز و غیره.

طبیب قانونی ضمن اظهار نظر در علت مرگ بایست نوع اسلحه که بوسیله آن قتل انجام شده تعیین نماید و لو آنکه اسلحه مذکور در محل کشف جسد بدست نیاید. زیرا روشن شدن این موضوع تحقیقات را سهل و دستگیری متهم را آسان میسازد.

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

علاوه بر مراتب مذکور طبیب قانونی بایست روز و ساعت قتل را ضمن معاینه جسد تعیین نماید و این امر از لحاظ قانونی امری سهل و ساده میباشد.

اظهار نظر طبیب قانونی پایه پرونده جزائی بوده و در این امر بایست دقت و مراقبت از هر حیث بعمل آید چنانچه جسد را با طناب بسته و یا در کیسه و یا صندوقی جای داده باشند قبل از آنکه کلیه مشخصات مذکور در صورت مجلس درج شود نبایست آثار مذکور را برای معاینه از بین برد زیرا آثار مذکور هر یک در تعیین هویت قاتل بموقع راهنما بوده و مفید فایده میباشند.

چنانچه در نزدیکی جسد فرد دیگری پیدا شود که مورد ضرب قرار گرفته ولی نمرده و ویرا با طناب بسته و یا بدرختی بسته اند نامبرده را بایست دقیقاً مورد مراقبت قرارداد زیرا ممکن است قاتل فرد واحدی بوده و از توضیحات شخص اخیر مشخصات قاتل بدست آید و یا شخص مذکور معاون جرم باشد و با پلیس است که بادقت و مراقبت از وضع محل رد پای قاتل را پیدا نماید.

پس از معاینه جسد لباسهای او باید دقیقاً مورد آزمایش قرار گیرد هر یک از تکه های لباس را جدا گانه باید مورد معاینه و آزمایش قرارداد ضمناً دقت نمود لکه هائی که در لباس میباشد کاملاً محفوظ گردد حتی نوع گل و گرد و خاکی که در لباس میباشد. چنانچه لباس دارای لکه خونی میباشد نوع لکه را که خون پهن یا دراز است باید در صورت مجلس درج کرد زیرا از لکه خون میتوان تشخیص داد که نامبرده در روی زمین بقتل رسیده یا ایستاده.

چنانچه لباس های مذکور بوسیله اسلحه سرد یا گرم سوراخ شده باشد بایست سوراخ مذکور مورد معاینه مجدد قرار گیرد.

چنانچه بوسیله اسلحه آتشی لباس سوراخ شده باشد بایست تشخیص داده شود که ضربه گلوله از دور وارد آمده و یا از نزدیک این امر با دقت کوچکی معلوم میشود زیرا چنانچه گلوله از فاصله دوری اصابت نموده باشد در روی لباس آثار سوزاندن باروت هویدا است و در هر مورد نوع زخمی که اسلحه در بدن ایجاد میکند متفاوت است. هر یک از قطعات لباس را بایست دقیقاً مورد معاینه قرارداد و مشخصات آنها مشروحاً در صورت مجلس درج نمود.

ضمناً چنانچه لباس دارای علامت خیاطخانه یا کارخانه سازنده باشد مراتب در صورت مجلس درج میگردد.

اشیائی که در نزدیکی جسد و یا در جیبهای وی یافت شود نیز بایست دقیقاً مورد معاینه قرار گیرد زیرا ممکن است علت وقوع قتل را از مطالعه آثار مذکور بدست آورد.

چنانچه کیف پول و جواهرات یا محتوی جیب او بوده شده باشد مراتب نیز بایست در صورت مجلس درج شود زیرا از عمل مذکور معلوم میشود که منظور از قتل دزدی بوده است در بعضی از موارد قاتل برای آنکه مأمورین را در کشف جرم مشکوک سازد محتویات جیب زیان دیده از جرم را نیز خالی مینماید.

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

چنانچه اسناد زیان دیده از جرم که در جیب یا در کیف دستی وی بوده ربه بوده باشند این امر بنظر میرسد که مجرم جهت مالک شدن اسناد تجاری. پول نقد و یا جواهرات وی مرتکب قتل گردیده است.

در این قبیل موارد بازپرس و مأمورین آگاهی بایست راجع باین اسناد مذکور تحقیقات لازم نموده و از این طریق میتوان رد پای مجرم را بدست آورد.

چندین سال قبل کفافی در حوالی پاریس به قتل رسید جسد وی در ساعت ۳ بعد از نصف شب در صد متری در مالاکف پیدا شد.

نامبرده بوسیله ضربه چاقو که به قلب وی اصابت نموده مقتول گردیده و بنظر میرسید قاتل از اهالی سوریه باشد.

محتویات جیب های وی ربه بوده شده و ساعت او را از دستش در آورده بودند از معاینه جسد معلوم گردید منظور از قتل دزدی بوده شبانگاه ناگهان بوی حمله شده و ویرا مقتول و محتویات جیب ویرا ربه شده اند.

در یکی از جیب های او یک بسته سیگار و یک کبریت که مصرف نشده بود بدست آمد. تحقیقات شروع گردید معلوم شد نامبرده صبح به قصد انجام کار به پاریس رفته ولی معلوم نبود از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۳ بعد از نصف شب را چگونه گذرانده و نهار را در کجا صرف نموده است.

تحقیقات راجع به گذراندن ساعات مذکور ادامه یافت پیدا شدن یک بسته سیگار دست نخورده و یک کبریت در جیب موضوع قابل توجهی بنظر رسید زیرا پس از تحقیقات معلوم شد نامبرده معتاد به خوردن مشروب و کشیدن سیگار بوده و در مواقع بیکاری دائماً وقت را با صرف مشروب و کشیدن سیگار میگذرانده است.

پس از تحقیقات در ساعات مختلف روز معلوم گردید در روز مذکور پلیس بواسطه تظاهرات بستانه وی را تا ساعت ۱۲ توقیف و تا ساعت ۱۰ شب تحت نظر بوده و در این ساعت آزاد و یکنفر پاسبان مأمور شده وی را به راه آهن رسانده که بمنزل برود.

در صورت مجلسی که از اشیائی که در جیب داشته تنظیم گردیده از پاکت سیگار و کبریت اسم برده نشده بنا بر این نامبرده اشیاء مذکور را پس از پیاده شدن از ترن که در نزدیکی گارد جنوب میباشد خریداری نموده باین رد پا مغازه که از آن سیگار خریداری شده پیدا شد.

از صاحب مغازه تحقیق گردید معلوم شد وی باتفاق شخص دیگری که مشخصات آنها تعیین نمود دیر وقت برای خرید سیگار به مغازه وی مراجعه نموده و از تحقیقات بعدی معلوم گردید کفافی مذکور پس از رسیدن به محل به منزل رفته و به پاریس مراجعت نموده است زیرا در ساعت ۱۱ شب ویرا در نزدیکی من پاراناس «Monparnasse» باتفاق فردی که مشخصات وی داده شده دیده اند.

باتفاق مرد مذکور سوار اتومبیل شده و به میکده واقع در کوچه وانر رفته سپس مست و لایعقل از میکده به دیگر تا نزدیکی محل قتل رفته در این شده

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

موقع قاتل وی را تعقیب و ناگهان او را بقتل رسانده است. شخصی که مشخصات داده بود پیدا شد ولی تحقیقات از وی منتج به نتیجه نگردید در نتیجه قرار منع تعقیب او صادر گردید از تحقیقات مذکور معلوم شد که از پیدا شدن یک قوطی سیگار در جیب زیان دیده از جرم بازپرس توانست اقدامات لازم در کشف جرم بعمل آورد.

تشخیص هویت مقتول موضوعی قابل توجه و بحث میباشد اگر جسد دست نخورده باشد بصور مختلف از او عکس برداری نمایند باید سعی نمود عکس وی را طوری بگیرند که زنده بنظر رسد از اینرو با روئوش کردن صورت، صورت زنده بوی دهند جسد را باید ملبس به لباس نموده، موهای سر او را نیز مرتب نموده سپس از آن عکس برداری نمود از طرفی کلیه مشخصاتی که در بدن وی موجود است باید در صورت مجلس درج شود.

از قبیل خالهائی که دارد و آثاری که در صورت او هویدا است همچنین از آثار انگشتان او بایست انگشت نگاری نمود انگشت نگاری گاه گاهی بسیار مفید واقع میشود.

مثلاً چنانچه زیان دیده از جرم محکومیت جزائی داشته باشد از روی سجل کیفری نام او بدست میآید. لباس و اسنادی که در جیب مقتول بدست میآید ارزش فوق العاده داشته و دقیقاً مورد آزمایش قرار گیرد.

چندی قبل جنازه زنی بوسیله پلیس کشف شد زن مذکور فقط دارای یک ساعت و بند ساعت بود ساعت و مارک آن مورد آزمایش قرار گرفت بطور کلی ساعت سازها پس از تعمیر علائمی در روی درب آن میگذرانند از روی علامت مذکور دارنده ساعت و در واقع هویت زن مقتول بدست آمد.

تعیین هویت مقتول بطریق دیگر نیز امکان دارد و آن بوسیله گواهی گواهان است که امری متداول میباشد ولی طریقه مذکور امری قطعی نبوده و بایست تا بدست آوردن دلائل کافی به تحقیقات ادامه داد.

واضح است که قیافه یک فرد زنده با قیافه فردی که به قتل رسیده متفاوت است و رنگ لبهای او فرق مینماید از اینرو چشم در تشخیص هویت اشخاص ممکن است دچار اشتباه شود و از این اشتباهات صدها در عمل دیده شده.

از رودخانه سن نزدیک کورب و «Courbevoie» جسد پسر ۱۲ تا ۱۴ ساله بدست آمد که لباس محصلین در تن داشت.

دراثر اتفاقی پسر مذکور راه منزل را گم کرده و مادر او مراتب را با اطلاع کلانتری رسانیده بود مادر طفل پس از پیدا شدن جسد احضار پس از مشاهده خود را روی جسد انداخته شروع به گریه و زاری نمود چون جسد بوسیله مادر و گواهی گواهان شناخته شد جنازه را در اختیار ابوین وی گذاردند.

جنازه مذکور مدتی در آب مانده و قیافه او تغییر نموده بود.

گاهی جسد پس از بدست آمدن شناخته نمیگردد در اینصورت جسد را بایست به طبیب قانونی اعزام تا در سردخانه نگاه دارند و با اعلان در روزنامه ها و استمداد از گواهان و انتشار مشخصات مقتول هویت وی معلوم گردد.

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

گاه گاهی جسد سالم بدست نمی آید ممکن است پوست صورت آنرا کنده و یا قطعات متلاشی یک جسد بدست آید در اینصورت تشخیص هویت مقتول خالی از اشکال نمیباشد در صورت استمداد به مطبوعات و انتشار عکس مقتول در روزنامه ها و شرح و توصیف آنها در بدست آمدن هویت مقتول و اغلب در دستگیری قاتل مؤثر می باشد. مثلاً:

در ۲۱ آوریل ۱۹۲۰ در جنگل ون سن «Vincennes» جسد زن جوانی بدست آمد که خفه شده و ۲۲ تا ۲ ساله بنظر میرسد بگردن وی طنابی که آغشته به پیه بود دیده میشد و این امر قابل توجه بنظر میرسد و در گردن وی زنجیرهایی بود که متصل به مدال ژاندارک برد و در دست چپ وی یک انگشتر و یک حلقه طلا بدون آنکه نامی در آن حک شده باشد دیده میشد در پهلوی او یک چتر بود. در لباسهای او مارکی دیده نمیشد فقط در روی شلوار و کمر وی حروف «E.V.E.O» بردری دوزی شده بود.

بدواً بنظر رسید تشخیص هویت وی مخصوصاً با علائمی که در روی دامن وی بدست آمده کاری ساده بنظر میرسد.

دامن وی نه دوخت فرانسه بود و نه مد فرانسه در حوالی محل وقوع قتل از اهالی راجع به هویت مقتول استعلام گردید نتیجه بدست نیامد و هیچ کسی ویرا شناخت عکس وی بطرق مختلف گرفته شد و با مشخصات وی به کلیه هتل های فرانسه برای تشخیص هویت ارسال و به کلیه شهربانی ها نیز مراتب بخشنامه شد.

از طرفی عکس های مختلف در کلیه روزنامه های مختلف درج و از مردم تقاضا شد چنانچه ویرا می شناسند یا اداره شهربانی جهت ملاحظه جسد مراجعه نمایند همچنین عکس دامن وی که دارای علائمی بوده در کلیه روزنامه ها درج گردیده نتیجه ای بدست نیامد.

تا ۸ مه یعنی ۱۸ روز پس از کشف جسد نتیجه عاید نشد مجدداً از نمایندگان مطبوعات استمداد گردید که راجع به شناسائی جسد از مردم استمداد نمایند.

این امر فوراً به نتیجه رسید درنهم مه زن و شوهری به شهربانی پاریس مراجعه و اظهار داشتند عکسی که در روزنامه دیدیم می شناسیم نام وی ماری و معشوقه مردی است بنام «B» و هر دو آنها از ساکنین ژنو میباشند ضمناً اعلام داشت که زن مذکور در ۱۸ آوریل (در ۲۱ آوریل جسد وی پیدا شده بود) برای دیدن دوست خود به پاریس آمده زیرا وی باتهام قاچاق ارز توقیف بود.

جسد به نامبردگان نشان داده شد نامبردگان ویرا بخوبی شناخته همچنین لباس او شناخته شد از این ساعت تحقیقات بسرعت پیشرفت معلوم گردید زن مذکور در ۱۷ وارد پاریس شده و در هتل مرکزی مسکن گزیده و شب های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ را در هتل گذرانده صبح روز نوزدهم پس از رفتن بسلمانی از هتل خارج شده و یک چک ده هزار فرانکی که از ژنو با خود آورده بود همراه داشته آثاری از چک مذکور بدست نیامد. پس از تحقیقات از بانکها معلوم گردید که وجه چک در ۲۰ آوریل (پس از

مرگ وی (بوسیله بانک دولتی توسط فردی که خود را پیر «Jusarelli Pierre» ساکن کوچه پمپ خانه نمرة ۱۴۱ میباشد دریافت شده که در واقع نام و آدرس مذکور معمول بود .

راجع به فردی که در بازرسی معاون ب در قاچاق ارز بود تحقیقات بعمل آمد و معلوم شد در واقع زن مذکور پس از ورود به پاریس بوی مراجعه نموده بالاخره شخص مذکور بدست آمد وی در میدان هال شاگرد قصاب بود و معلوم گردید باسهارت کامل جهت بدست آوردن ده هزار فرانک وجه او را بعنوان گردش به محل دوری برده و نقشه خود را انجام داده و مطمئن بوده چون کسی او را نمی شناسد و ضمناً حامی و معشوق او نیز در زندان است جرم وی کشف نخواهد گشت .

مؤسسه طب قانونی که مجهز به سردخانه های متعدد بوده و جسد را برای مدت مدیدی نگاه میدارد نیز برای تشخیص هویت مقتول بسیار مفید میباشد .

چنانچه مجرم جسد را تکه تکه نموده و بعضی از قطعات آن بدست آید و همچنین چنانچه پوست صورت مقتول را کنده باشند تشخیص هویت وی مشکل میگردد و برای تشخیص هویت در طب قانونی رویه خاصی بکار میبرند . چنانچه سر بدست آید تشخیص هویت آسان است و گرنه هفتاد و پنج درصد ۷۵٪ شانس شناختن جسد زائل میگردد .

مثلاً در قتل ژبن «Jobin» چون جسد را پاره پاره نموده بودند تا موقعیکه سر وی در بن ژيوال «Bongival» از رودخانه گرفته نشد جنازه شناخته نگردید .

مثال دیگر . در ۱۶ اوت ۱۹۲۱ از رودخانه سن دوبازوی انسان در ژوازی - بروا «choisy-broi» که در آب شناور بود گرفته شد بعداً در ۲۲ اوت در نی «Neuilly-sus - Seine» در نزدیکی پل نی «Neuilly» کیسه بدست آمد که در کیسه دیگری جای داشت و درون آن جسد زنی بود که فاقد سر و دست و پا بود و همچنین در ۲۰ متری محل مذکور دوپا پیدا شد که در کیسه جای داشت .

کلیه قطعات جسد بیکدیگر وصل شد معلوم گردید متعلق به فرد واحدی است و فاقد سر میباشد ظاهراً جسد زنی ۲۰ تا ۲۵ ساله بود که دارای قد کوتاه ۱/۵۵ متر و موی خرمائی بود نمرة کفش وی ۳۶ بنظر رسید جسد تشریح گردید معلوم شد وی یک فرزند زائیده و چندین بار سقط جنین نموده است آثار ضربه چاقو در قلب او مشاهده شد - معده وی پر از مواد غذایی بود و این امر ثابت مینمود که قتل پس از صرف غذا انجام شده .

کیسه ها مورد بررسی قرار گرفت معلوم گردید متعلق به مغازه سیب زمینی فروشی است مغازه مذکور دارای ۲۰۰۰ کیسه بوده که در اختیار مشتریان مختلف خود میگذاشته است بنابراین معلوم نگردید کیسه های مذکور به چه کسی تحویل شده است .

پس از آنکه عکس های متعدد جسد در روزنامه ها درج و از مردم در شناسائی وی استمداد گردید نتیجه بدست نیامد در نتیجه بکلیه دوایر نظامی و دارندگان گاراژ مراتب بخشنامه شد که در شناختن جسد با پلیس همکاری کنند عده زیادی از افراد که فردی

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

از خانواده خود را کم نموده بودند به پلیس مراجعه جسد را ملاحظه مینمودند نتیجه بلست نیامد .

فقط جسد مورد توجه یک نفر قرار گرفت وی گفت «Berrier» یا «Berrier Andree» است .

وی در ۱۸۹۴ متولد شده (در موقع وقوع قتل ۲۷ ساله بوده) و آخرین آدرس وی خانه نمبر ۱۰ کوچه (D) در پاریس بوده نام رفیق او I میباشد که مظنون بنظر میرسد «Berrier» قریب دو سال منزل وی بود ولی هم منزل نبودند زن مذکور با فحشاء امرار معاش مینمود - در اوایل ماه اوت طرفین قرار گذاردند از یکدیگر جدا شوند. ل اثاثیه خود را جمع و در تا کسی گذارده و اطاق خود را ترك و بطرف کارونسن «Vincennes» رفت و تا ساعت $18 \frac{1}{4}$ با بریده همراه بود و هردو از این جدائی متأثر و قرار گذارده بودند فردا که نهم اوت است یکدیگر را ملاقات نمایند در روز مذکور (ل) در محل حاضر و معشوقه خود را پیدا نمیکند و برای آخرین شب در کوچه (D) شب را میگذرانند ولی از منزل وی آثار حیات بلست نیامد .

در تاریخ دهم مه بداره پلیس مراجعه و در کلانتری « Clignancourt » کلیانکور اعلام میدارد کلانتری مذکور مراتب را بداره اطلاعات که بر نفع خانواده در این قبیل موارد اقدام مینمایند اعلام داشته (ل) احضار در مقابل قطعات جسد اعلام داشت که بنظر وی جسد مذکور متعلق به معشوقه او میباشد ولی شناسائی مذکور به تنهایی برای پلیس کافی بنظر نرسید پس از گواهی گواهان معلوم شد که جسد متعلق به «Berrier» است که مانند مرغابی راه میرفته و در نتیجه کفش دوپای او متفاوت بوده است یکی از کفش‌های او در اطاق وی بلست آمد که با پای چلاق او کاملاً تطبیق مینمود کارشناس اعلام داشته که پاهای او هر یک دارای کفش مختلف بوده و کفش پیدا شده با پای وی بنظر کارشناس تطبیق مینمود .

از طرفی «Andrée Berrier» دارای فرزندی بود که به یتیم خانه سپرده شده بود و ضمن تشریح معلوم شد زن مقتوله حامله بوده بنا بر این معلوم گردید جسد ناشناسی که از «choisy broi» از رودخانه گرفته شده زنی بنام «Andrée Berrier» می باشد .

این طریقه ایست که برای شناسائی هویت بکار میرود اگر جسد بوسیله اسلحه به قتل رسیده باشد بایست اسلحه را بلست آورد اغلب اسلحه در نزدیکی وقوع قتل بلست میآید خواه آنکه اسلحه را قاتل در آنجا انداخته و یا در آخرین لحظات فراموش نموده باخود ببرد - چنانچه اسلحه بلست آید سؤالات زیر پیش میآید :

آیا اسلحه متعلق به قاتل میباشد ؟ یا اسلحه متعلق بدیگری بوده است که متعلق به مقتول است ؟

قاعدتاً چنانچه قتل بانقشه قبلی انجام گیرد قاتل قبلاً تهیه مینماید ولی ممکن است از اسلحه که در محل پیدا میشود استفاده نماید چنانچه اسلحه متعلق به شخص ثالث

قتل عمد از لحاظ پلیس فنی

باشد بایست تحقیق نمود شخص اخیر معاون در جرم بوده و یا اسلحه را از وی قرض نموده و یا از او دزدیده است. در هر صورت اسلحه در دست افراد عادی فقط برای راهزنی بکار میرود.

گاه گاهی اسلحه که خریداری میشود متأسفانه دارای مارک خاص نمیباشد. چنانچه اسلحه که بکار برده شده آتشی بوده و دارای مارک معروف باشد اسلحه مذکور دارای نمره بوده و از نمره آن میتوان معلوم نمود در کدام کشور و از کدام مغازه خریداری شده و باین طریق چنانچه قتل با چنین اسلحه انجام گرفته باشد می توان قاتل را تعیین نمود.

مثلاً در بازی ایندی «Basiliondis» اسلحه دلیل قاطعی بود که بر علیه متهم بدست آمد که از انجام قتل انکار مینمود. اسلحه که قاتل بکار برده بود کاملاً نو بود از روی نمره آن و استعلام از کارخانه سازنده معلوم شد از یکی از مغازه های اسلحه فروشی پاریس واقع در سن اتین «Saint Etienne» کوچه ککیر «coquillière» خریداری شده.

در نتیجه فروشنده اسلحه پیدا شد و اظهار نمود آنرا به یک زن فروخته است ولی نتوانست مشخصات ویرا تعیین نماید چون زن قبلاً بازداشت شده بود با فروشنده اسلحه مواجهه داده شد در نتیجه معلوم شد خریدار زن مذکور میباشد. زن مذکور زشت بود و همینکه فروشنده اسلحه ویرا دید او را شناخت زیرا زشتی وی در موقع فروش اسلحه در ذهن او مانده بود و راجع بصورت وی با کارکنان مغازه شوخی نموده بود.

اسلحه چیست؟ در قانون ایران راجع به اسلحه تعریف خاصی نشده ولی ماده ۱۰۰ قانون جزای فرانسه آنرا طبقه بندی نموده. اسلحه را بطرق مختلف تقسیم نموده اسلحه های فلزی که برنده و سوراخ کننده و یا خورد کننده است مانند چاقو - تیغ - سرنیزه چکش و غیره.

اسلحه های آتشی که در اثر فرورفتن گلوله در بدن قتل تحقق مییابد مانند تفنگ هفت تیر - طپانچه - مزر - پارابلوم - کلت و غیره.

علاوه بر انواع اسلحه که نام برده شده کلیه اشیائی که بوسیله آن قتل تحقق مییابد در حکم اسلحه است اسلحه های مذکور قاعدتاً خرد کننده است ولی گاهی برنده یا سوراخ کننده است اشیاء مذکور برای امر دیگری ساخته شده تنها من غیر رسم ممکن است مورد استفاده قاتل قرار گیرد. مانند چوب - چتر - بطری - صندلی - سنگ - مواد سربی - برنز و غیره که نمیتوان تعداد آنها را شمرد.